



گفت‌و‌گو با محمدحسین حقیگو، رئیس سازمان توسعه سینمایی سوریه



توسعه سینما در گرو صنعتی شدن است

حسن گوهرپور

در این جا این پرسش پیش می‌آید که برای توسعه کدامیک از این موارد می‌تواند مقدم بر دیگری باشد.

مسئله نرم افزار مهم است، اما می‌توان آن را با عمل همراه کرد؛ یعنی در واقع فرد مباحث تئوریک و آموزشی را هم زمان با یادگیری چگونگی روند ساخت فیلم می‌آموزد و همین‌گونه است که توسعه به شکل آکادمیک آغاز می‌شود تا به حوزه‌های سخت افزاری هم تعمیم یابد.

مسیر توسعه خواهی سینمای ما از کجا آغاز شده و امروز کجاست؟ چون سینما از مقولات فرهنگی است و فرهنگ هم بسته به دانش عمومی است، اعم از حوزه‌های علمی و پژوهشی، در این شرایط فرهنگ نقش چشم‌گیرتری خواهد داشت. ما مسیری را در امر سینما طی کرده ایم از حدود یکصد سال پیش تاکنون. اگر از زمان میرزا ابراهیم خان عکاس باشی آغاز کنیم در دهه‌هایی از این سده عملاً کشور با تلاطم‌های سیاسی مواجه بوده که یا در این شرایط فرهنگ تعطیل یا کم رنگ بوده است، یا اگر پررنگ بوده چندان دوامی نداشته است. همان گونه که می‌دانید سرریز این اتفاقات در سینما و کتاب متبلور می‌شود. از دهه ۴۰ در وزارت فرهنگ حرکتهایی در حوزه سینما انجام شد و هسته‌هایی در حوزه تولید فیلم شکل گرفت. در این بخش آموزش شکل گرفت و با روند رایج فیلم آن روز متفاوت شد. آثار ابراهیم گلستان، کیمیاوی، بیضایی، کیمیایی، شهید ثالث، نادری، تقوایی و... محصول آن دوران هستند که موجی ایجاد کردند. این بخش بار اندیشه‌ای بیشتری داشت که عموماً بیانگر فضای اجتماعی-سیاسی آن روزها بود. در زمان انقلاب بین سینمای جدید آن روز و سینمای انقلاب تلفیقی ایجاد شد. این تحرک نرم افزاری باعث جریان فیلم‌سازی جدیدی شد که متمایز با جریان قبل است، اما این به معنای انقطاع نیست. البته تحرکاتی هم در حوزه سخت افزاری رخ داد، به این معنا که ما آن روز صدای سر صحنه نداشتیم، تصاویر هم سیاه و سفید بودند و ما در سینمای پس از انقلاب این دو تبدیل به موقعیت تازه‌ای شد.

«توسعه سینما» را می‌بایست در ساختار کلان تری تحت عنوان «اقتصاد» مورد بررسی قرار داد. توسعه در هر ساختار تعریفی دارد و شاخصه‌هایی، و با بررسی آنها می‌توان میزان رشد و گاه توسعه را مشخص کرد. در سینما می‌توان توسعه را در سه حوزه مورد کندوکاو قرار داد: توسعه در حوزه اندیشه پیش از تولید؛ توسعه در تولید؛ توسعه در حوزه پخش و توزیع. در این باب با محمدحسین حقیگو، رئیس سازمان توسعه سینمایی سوریه به گفت‌و‌گو نشستیم.

از منظر شما توسعه سینما به چه معناست؟

توسعه سینما از منظر ما در دو حوزه شکل می‌گیرد: نخست حوزه نرم افزاری یا آموزشی است و دوم حوزه سخت افزاری یعنی تجهیزات و لوازم روز؛ توسعه سینما از نگارش فیلم‌نامه گرفته که مبتنی بر فیلم‌نامه اقتباسی یا غیر آن است تا ساخت فیلم متناسب با شیوه‌های نو و با تجهیزات و پخش و توزیع متناسب با آن موقعیت.

می‌شود برای توضیح بهتر موضوع نمونه‌ای غیر از سینمای هالیوود و اروپا برای پیشرفت در این دو حوزه (سخت افزار و نرم افزار) بیاورید؟ بله، یکی از نمونه‌های این پیشرفت‌ها را می‌توانیم از منطقه خودمان و آمریکای لاتین مثال بزنیم. در کشورهای عربی سینما از حیث سخت افزار پیشرفت قابل توجهی داشته است، به این معنا که اگر اثری تولید می‌شود از منظر ابزار و چگونگی به تصویر کشیدن بسیار مطلوب است اما از منظر نرم افزاری یعنی ایده فیلم‌نامه، نوشتار فیلم‌نامه و هر آنچه مربوط به نرم افزار و آموزش در حوزه سینماست فقیر است. در آمریکای لاتین به دلایل بسیار که به شرایط جامعه هم باز می‌گردد از منظر نرم افزاری بسیار غنی هستند. فیلم‌نامه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و رمان‌های فوق‌العاده‌ای در آن‌جا نوشته می‌شود اما وقتی قرار است تبدیل به فیلم شود (نیاز سخت افزاری) توان این کار مانند سینمای اروپا، هالیوود و حتی کشورهای عربی نیست. پس توسعه یافتگی می‌بایست هر دو حوزه را شامل شود.





چرا؟ چون تأثیر سینما را می‌شناسند. سینما باعث فروش تمام محصولات کشورشان در جهان می‌شود. همان گونه که در فرانسه توریسم مهم ترین مسئله است. توریسم و گردشگری برای شان مهم است چون درآمدزاست. سینما امروز در جهان فرهنگ سازی می‌کند و این نه تنها توسعه را در کشور به همراه دارد بلکه بازتاب تحرکات داخل در خارج از کشور هم هست. در واقع اگر قرار است ما توسعه پیدا کنیم باید صنعتی شویم. سینمای صنعتی ساز و کاری جدا از سینمای فعلی دارد و مستلزم فضای دیگری است. ما اگر در سینما صنعتی نشویم حذف خواهیم شد.

در مسیر توسعه سینما، رسانه تلویزیون چه کمکی می‌تواند بکند؟ آیا تلویزیون خصوصاً با تحرکات اخیرش در باب سفارش ساختن تله فیلم، برای سینما فرصت است یا تهدید؟

تلویزیون زمانی که موقعیت یک کاشف را برای سینما دارد، طبیعتاً در مسیر توسعه سینماست، اما وقتی از کشفیات سینما در بلند مدت بهره مند می‌شود و آن را در انحصار خودش در می‌آورد، در مسیر عکس توسعه عمل می‌کند. به این معنا که تلویزیون به دلیل زمان‌های طولانی آثارش می‌تواند در حوزه‌های مختلف اعم از نیروهای انسانی شاغل در سینما از کارگردان و بازیگر تا سایر عوامل صحنه نیروهایی را آموزش ضمن خدمت بدهد. این آموزش می‌تواند بعداً هم به سینما کمک کند هم به خود تلویزیون. اما از طرف دیگر وقتی عوامل حرفه ای سینما را به صورت بلند مدت در خدمت می‌گیرد، در واقع به سینما لطمه می‌زند. بازیگر سینما وقتی بلند مدت در یک یا دو مجموعه تلویزیونی کار می‌کند دیگر نمی‌تواند در آثار سینمایی حضور داشته باشد. در واقع زمانی برای این کار ندارد. از طرف دیگر به دلیل گرفتن حقوق ماهیانه و حضور فراگیر در سراسر کشور، ترجیح می‌دهد در آن مجموعه تلویزیونی باشد تا اثر سینمایی. پس نتیجه می‌گیریم تلویزیون اگر در جهت تبلیغ و آموزش نیروی انسانی گام بردارد در مسیر توسعه سینماست؛ در غیر این صورت می‌تواند تهدیدی برای سینما باشد.

در این شرایط لوازم و ابزار خریداری شد و به اندیشه سینماگران کمک کرد تا هر آنچه که مدنظر دارند بسازند (البته در حد این سخت افزار). ذکر این نکته را هم ضروری می‌دانم که سخت افزار نمی‌تواند عاملی برای توسعه سینما باشد و به تنهایی و بدون نرم افزار که پیش‌تر درباره آن توضیح دادیم، حرکتی یک سویه خواهد بود. سینمای ایران امروز از حیث فن‌آوری کم ندارد (البته نه اینکه فکر کنید به وفور هست)؛ یعنی در واقع به نسبت خواست سینماگر ابزار داریم، ابزار پیشرفته هم داریم، اما ابزار باید به اقتضای موضوع خریداری شود. ما هنوز در حوزه فیلم‌نامه که از مباحث نرم افزاری است، مشکل داریم.

جناب حقاگو، مباحثی که ما تاکنون درباره اش صحبت کردیم به درون سینما باز می‌گردد. اگر بخواهیم کمی از بالاتر نگاه کنیم و به سراغ متولیان سینما برویم، متولیانی چون حوزه هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چقدر توانسته اند به لحاظ اقتصادی مانند صنایع دیگر برای سینما بودجه و هزینه صرف کنند؟

کاش تقویمی از بودجه‌هایی که برای حوزه‌های مختلف تخصیص و هزینه می‌شود داشتیم تا ببینیم بودجه‌هایی که به سازمان‌ها و نهادهای دیگر برای کارهای مختلف می‌دهند، مثلاً وارد کردن علوفه یا قهوه یا هر چیز دیگر، چقدر است و چقدر از آن نهاد توقع دارند؛ آن وقت آن میزان هزینه را با میزان بودجه و هزینه سینما مقایسه و سپس توقع از سینما را هم با آن سازمان‌ها و نهادها مقایسه کنیم. مطمئن باشید پاسخ عجیبی می‌گیریم. هزینه بسیار ناچیز و بازده بسیار زیاد است. تازه این تأثیر ارزش افزوده هم داشته است. اما این بحث اصلاً مدنظر مسئولان نبوده است. مسئله دیگر این است که با این هزینه اندک این فیلم‌ها رفته اند و در خارج از کشور هم برای ایران و فرهنگ این کشور آبرو کسب کرده‌اند. اگرچه صدسال از عمر سینما گذشته اما در ایران هنوز صنعتی نشده، چرا که ساز و کارش صنعتی نشده است. در امریکا دومین صنعت پس از تسلیحات، سینماست. تمام مسئولان آنجا در خدمت سینما هستند.

